

معانی و اقسام زکات و آثار آن (۴)

بحث دربارهٔ روایت شریف حضرت زهرا سلام الله علیها دربارهٔ زکات بود. ایشان در خطبهٔ شریف فدکیه می‌فرمایند: جَعَلَ اللَّهُ ... الزَّكَاةَ تَرْكِیةً لِلنَّفْسِ، وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ

ترجمه: خداوند زکات را پاک کنندهٔ جان و افزایشندهٔ روزی قرار داد.

گفته شد زکات، نوعی از تطهیر است که با زدودن زوائد یک شیء به وجود می‌آید و موجب نمو و برکت در آن شیء می‌شود. همچنین گفته شد زکات، مصادیق متعددی دارد که به برخی از آنها اشاره شد.

قبل از بیان یکی دیگر از مصادیق زکات لازم است به نکته ای از روایات باب زکات اشاره کنیم. از مجموع روایاتی که در باب زکات اشیاء مختلف وجود دارد می‌فهمیم که زکات بر چیزهایی واجب می‌شود که نوعی نعمت و کمال برای انسان محسوب می‌شوند. از این روایات می‌توان فهمید که نقصان و ناداری، زکات ندارد، بلکه این، کمالات هستند که موجب وجوب زکات می‌شوند. مصادیق این زکات را در زکات مال ملاحظه می‌کنیم که بر برخی از دارایی‌های خاص که نعمت زیاد محسوب می‌شوند، زکات تعلق می‌گیرد. پس منظور از «شیء» در روایت «لکل شیء زکاة» نعمات و کمالات خاص هستند. با توجه به مطلب مذکور به یکی دیگر از مصادیق اشیاء دارای کمال می‌پردازیم.

در روایتی از حضرت امیر ع وارد شده که: «العفو زکاة القدره» زکات قدرت، عفو و بخشش است. قدرت نیز یکی از نعمات و کمالاتی است که از سوی خداوند بر انسان اعطا می‌شود؛ اگرچه برخی انسانها همچون فرعون، قدرت را ذاتا و اصالتا از آن خود می‌دانند. پس قدرت نیز یک نعمت و کمال است؛ بنابراین موجب تعلق زکات می‌شود.

از طرفی دیگر، زکات در جایی است که نوعی زوائد بر نعمت و کمال خاصی وارد می‌شود و آن زوائد، شایستهٔ آن کمال نیستند و انسان باید با زدودن آن زوائد، آن کمال را تطهیر کند تا آن کمال، نمو و برکت بیابد. اگر آن زوائد زدوده نشوند، کمال مذکور نه تنها نمو نمی‌یابد، بلکه تحت تأثیر آن علفهای هرز به مرور فرسوده می‌شود و از بین می‌رود.

قدرت، نعمت و کمالی است که ممکن است علفهای هرز، اطراف آن را بگیرد و آن را به فساد بکشد. باید این علفهای هرز را شناخت و زدود. یکی از آفاتی که ممکن است حول قدرت به وجود بیاید، قدرت طلبی بی حد و حصر و میل بر قهر و غلبه و انتقام از مخالفین است. این آفت، مانند علف هرزی است که اطراف قدرت را فرا می‌گیرد و موجب ناپاکی آن می‌شود. قدرتی که قرار است برای احقاق حق مظلوم از ظالم گرفته شود به انتقام و کینه ورزی و ... تبدیل می‌شود.

اسلام برای این که جلوی این آفت را بگیرد، برای آن، زکاتی تعیین نموده و آن، عفو و گذشت است. انسان قدرتمند، عطشی سیری ناپذیر برای قهر و غلبه دارد. می‌خواهد همهٔ مخالفان و دشمنان خود را از دم تیغ بگذراند و با آنها تسویه حساب کند، می‌خواهد منطقهٔ تحت نفوذ و سیطرهٔ خود را توسعه دهد و برای رسیدن به این هدف، حاضر است هر کاری انجام دهد. اسلام برای کنترل این میل، دستور عفو می‌دهد؛ «خذ العفو» (اعراف/ ۱۹۹) انسان کریم هر مقدار قدرت بیشتری می‌یابد عفو بیشتری پیشه می‌کند و از مخالفان می‌گذرد. این امر موجب پرداخت زکات قدرت و زدودن زوائد و پاک شدن از ناپاکیها می‌گردد.

نمونهٔ این زکات قدرت را در سیرهٔ پیامبر ص در جریان فتح مکه مشاهده کرده ایم. مشرکان مکه چه ظلمهایی به پیامبر ص و یاران ایشان نمودند. در حین فتح مکه همگان انتظار داشتند پیامبر ص تلافی سختی بکند و البته از جهت فقهی نیز اشکالی وارد نبود، اما پیامبر اکرم ص زکات قدرت را پرداختند و مشرکان را عفو نمودند و قدرت خویش را با زدودن زوائد، تطهیر نمودند. شاید نموّ و برکتی که به مرور در جهان اسلام پدید آمد و مناطق زیادی با سرعت زیاد به اسلام گرویدند، ناشی از همین پرداخت زکات قدرت بود. نمونهٔ دیگر را در سیرهٔ حضرت امیر ع در جنگهای مختلف، از جمله جنگ جمل می‌بینیم.